



Examining Pure Economic Damage in Non-Contractual Liability in Iranian and British Law

Alireza Hovizawy¹, Hamid Bazrpach², Hosein Jalali³

1. PhD Student of Private law, Department of Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 1241-1258

Article history:

Received: 24 Jul 2023

Edition: 6 Oct 2023

Accepted: 30 Nov 2023

Published online: 13 Mar 2024

Keywords:

pure economic damage, non-contractual liability, physical injuries, intent, negligence.

Corresponding Author:

Hamid Bazrpach

Address:

Iran, Karaj, Islamic Azad University, Karaj Branch, Department of Law.

Orchid Code:

0009-0006-6430-5227

Tel:

09127330025

Email:

hamid.bazrpach@kiau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aims: pure economic damage is one of the types of damage that has not been given much attention and investigation in Iranian law, and based on this, the purpose of this article is to examine pure economic damage in non-contractual liability in Iranian and British law, so that the legislator's attention can be drawn to This type of damage and the necessity of the legislator in this regard.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used to collect materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: Pure economic damage is accepted in English law. In Iranian law, however, there is doubt in this regard. In English law, compensation for pure economic damage in non-contractual liability requires that it be intentional. Of course, pure economic compensation is also accepted in unintentional cases in the form of a "negligence" lawsuit, but it faces limitations.

Conclusion: It is necessary for the legislator to take a middle way by using the existing jurisprudential foundations and, while accepting the conditional and limited compensation of purely economic damages in some necessary cases, establish explicit regulations on the conditions of compensation for this type of damage in non-contractual liability.

Cite this article as:

Hovizawy A, Bazrpach H, Jalali H. Examining Pure Economic Damage in Non-Contractual Liability in Iranian and British Law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



دوره پنجم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۲

بررسی خسارت اقتصادی محض در مسئولیت غیر قراردادی در حقوق ایران و انگلیس

علیرضا حویزای^۱، حمید بذرپاچ^۲، حسین جلالی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: خسارت اقتصادی محض یکی از انواع خسارت است که در حقوق ایران چندان مورد توجه و بررسی قرار نگرفته و بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی خسارت اقتصادی محض در مسئولیت غیر قراردادی در حقوق ایران و انگلیس است تا شاید بتوان توجه قانون‌گذار را به این نوع خسارت و ضرورت قانون‌گذار در این خصوص جلب کرد.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: در حقوق انگلیس خسارت اقتصادی محض پذیرفته شده است. در حقوق ایران در این خصوص تردید وجود دارد. در حقوق انگلیس لازمه جبران خسارت اقتصادی محض در مسئولیت غیر قراردادی، عمدی بودن آن است. البته جبران خسارت اقتصادی محض در موارد غیر عمدی که در قالب دعوی «بی‌احتیاطی» مطرح می‌شود نیز پذیرفته شده است؛ اما با محدودیت‌هایی مواجه است. خسارت اقتصادی محض ناشی از صدمات جسمانی، ناشی از عیب تولید، بازداشت یا تعلیق و اخراج از مصادیق خسارت اقتصادی محض است.

نتیجه: لازم است قانون‌گذار با استفاده از مبانی فقهی موجود، راه میان‌ه‌ای را در پیش گرفته و ضمن پذیرش مشروط و محدود جبران خسارت اقتصادی محض در برخی موارد لازم، مقررات صریحی در زمینه شرایط جبران این نوع خسارت در مسئولیت غیر قراردادی وضع نماید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۴۱-۱۲۵۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳

واژگان کلیدی:

خسارت اقتصادی محض، مسئولیت غیر قراردادی، صدمات جسمانی، عمد، بی‌احتیاطی

نویسنده مسئول:

حمید بذرپاچ

آدرس پستی:

ایران، کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه حقوق.

کد ارکید:

0009-0006-6430-5227

تلفن:

۰۹۱۲۷۳۳۰۰۲۵

پست الکترونیک:

hamid.bazrpach@kiau.ac.ir

۱. مقدمه

اقتصادی محض در مسئولیت غیر قراردادی است. این امر به‌ویژه در حقوق ایران، جای بحث دارد. از سوی دیگر با توجه به اینکه در سال‌های اخیر در خصوص جواز یا عدم جواز دریافت خسارت اقتصادی محض تردیدهایی حاصل شده است و بعضی از قضات با توجه به همین تردیدها در صدور حکم در رابطه با جبران این‌گونه خسارات تردید دارند و با توجه به اینکه قانون جدید آئین دادرسی مدنی نیز با تصویب ماده‌ای که وصول خسارت اقتصادی محض را غیر ممکن می‌داند به این تردیدها دامن زده است، یکی از اهداف این پژوهش این است که بررسی نماید که آیا می‌توان این دسته از خسارات را در قالب خسارت محض اقتصادی غیر قراردادی قابل پذیرش دانست؟ یا اینکه تردیدهایی که در این زمینه وجود دارد مطابق با حقیقت است و این خسارات قابل جبران نیستند.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

در حقوق انگلیس خسارت اقتصادی محض پذیرفته شده است. در حقوق ایران در این خصوص تردید وجود دارد. در حقوق انگلیس لازمه جبران خسارت

اینکه نقض تعهدات یک طرف قرارداد چه خسارت‌هایی ممکن است به طرف مقابل وارد شود و در بین این خسارت‌ها، جبران کدامیک مورد تصریح و تأیید قانون‌گذار قرار گرفته است و کدامیک به اجمال و اختصار برگزار گردیده دارای اهمیت است. نقض قرارداد و خسارت غیر قراردادی ناشی از ان یکی از موضوعات محل بحث در حقوق ایران است. قانون‌گذار ایران در فصل سوم کتاب دوم قانون مدنی ذیل عنوان «در اثر معاملات» در مبحث اول چند ماده در خصوص قواعد عمومی قراردادها بیان نموده و در مبحث دوم در مواد معدودی (ماده ۲۲۶ الی ۲۲۰) به صورت مختصر و کلی چند قاعده در خصوص «خسارات حاصله از عدم اجرای تعهدات» آورده است. در حقوق انگلستان، حقوق حاکم بر قراردادها به شکل دقیق‌تری به نقض قرارداد و خسارت‌های غیر قراردادی ناشی از آن پرداخته است. اینکه هیچ خسارت و ضرری نباید جبران نشده باقی بماند؛ بلکه هر کس به دیگری ضرر و خسارتی وارد نماید باید آن را جبران نماید مورد پذیرش عامه می‌باشد و عقل و انصاف بدان حکم می‌کند. امروزه دامنه‌واژه‌های ضرر، زیان و خسارت بسیار گسترده‌تر گردیده و مواردی را شامل می‌شود که در پیش‌تر به‌عنوان ضرر و زیان شناخته نمی‌شدند یا دارای اهمیت زیادی نبوده‌اند. اما امروزه بازارهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری کوچک‌ترین اندیشه را تبدیل به سرمایه کرده و برای آن ارزش مادی و معنوی قائلند و اعتبار برندهای تجاری گاه‌گاه ارزشی بیش از خود یک شرکت و دارایی‌های فیزیکی آن دارد و مهم‌تر از آن جامعه انتظار دارد این دارایی‌ها مورد شناسایی و حمایت قانون‌گذار قرار گیرد. یکی از موارد خسارت، خسارت

خسارات ناشی از اعمال غیر عمدی یا بی احتیاطی در حقوق انگلیس در قالب «دعوی بی احتیاطی» مطالبه می‌شود. اقامه «دعوی بی احتیاطی»، مستلزم اثبات عمدی بودن کار نیست و از این رو محدوده آن گسترده‌تر از عناوین دیگر می‌باشد. ولی تا جایی که به دعوی بی احتیاطی مربوط می‌شود، رویه دادگاه‌ها نشان‌دهنده محدودیت قابل توجهی در قابلیت مطالبه خسارت اقتصادی محض تحت این عنوان می‌باشد. به عبارت دیگر، جبران خسارت اقتصادی در موارد بی احتیاطی منوط به این است که خسارت اقتصادی به تبع ایراد لطمه جسمانی یا صدمه فیزیکی به اموال مادی مدعی ایجاد شده باشد، در غیر این صورت آن را «خسارت اقتصادی محض» نامیده و قابل جبران نمی‌دانند. عناصر سازنده دعوی بی احتیاطی و شرایط تحقق آن، به گونه‌ای است که منتهی به نفی جبران چنین خساراتی می‌شود؛ زیرا این دعوی در مواردی قابل طرح می‌باشد که زیان دیده اثبات نماید که او در اثر نقض وظیفه احتیاط متعارفی که در اوضاع و احوال خاص آن پرونده، مسبب خسارت در برابر او داشته، دچار زیان شده است (ویلیم اچ، ۲۰۰۴، ۱۲).

در حقوق انگلیس مسئولیت به جبران خسارت تحت عنوان دعوی «بی احتیاطی» مستلزم اثبات این موارد می‌باشد: نخست اینکه، خسارت وارده از نظر حقوقی جزو خسارات قابل جبران شناخته شود. خسارات قابل جبران در این زمینه نیز عبارت از آسیب جسمانی یا ضرر مالی و در موارد استثنایی ضرر اقتصادی محض می‌باشد. دعوی استیل اسپارتان علیه مارتین در این زمینه قابل توجه می‌باشد. دیگر اینکه، خواننده وظیفه احتیاط داشته است و سوم اینکه،

اقتصادی محض در مسئولیت غیر قراردادی، عمدی بودن آن است. البته جبران خسارت اقتصادی محض در موارد غیر عمدی که در قالب دعوی «بی احتیاطی» مطرح می‌شود نیز پذیرفته شده است اما با محدودیت‌هایی مواجه است. خسارت اقتصادی محض ناشی از صدمات جسمانی، ناشی از عیب تولید، بازداشت یا تعلیق و اخراج از مصادیق خسارت اقتصادی محض است.

۵. بحث

۵-۱. خسارت اقتصادی محض در مسئولیت غیر قراردادی

در این قسمت قابلیت جبران خسارت اقتصادی محض و خسارت اقتصادی در حوزه مسئولیت غیر قراردادی در حقوق ایران و انگلیس مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱-۱. در حقوق انگلیس

حقوق انگلیس از جهت جبران پذیری خسارت اقتصادی در دعاوی مسئولیت غیر قراردادی، در طبقه کشورهای «عمل‌گرا» در زمینه جبران این خسارات قرار داده شده است. در حقوق انگلیس میان اعمال عمدی و غیر عمدی از حیث قابلیت جبران خسارت اقتصادی محض تفکیک قائل شده‌اند. در برخی از دعاوی راجع به اعمال ارادی و عمدی خسارت اقتصادی محض قابل جبران است. مهم‌ترین این دعاوی عبارت‌اند از: تقلب، تبانی، تدلیس، تحریک به نقض قرارداد، اشتباه توأم با سوءنیت، مداخله نامشروع در تجارت که از آن‌ها به «دعاوی خسارت اقتصادی» نیز یاد می‌شود (کوزیول، ۲۰۱۵، ۴۱۱).

خواننده دعوی وظیفه احتیاط خود را نقض کرده است و آخر اینکه، بین نقض وظیفه احتیاط و ضرر وارده به خواهان رابطه علیت احراز شود (بوسانی؛ پالمر، ورنون، ۲۰۰۳، ۱۸۰). بدین معنی که خواهان باید اثبات نماید که یک شخص متعارف در وضعیت خواننده قادر بوده که ورود ضرر وارده را به‌عنوان نتیجه محتمل عمل خود پیش‌بینی کند.

۵-۱-۲. در حقوق ایران

در قوانین جاری ایران، تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک (۱۳۹۲) حکم خسارت اقتصادی محض را در دعاوی مسئولیت غیر قراردادی بیان کرده است. در حقوق ایران در زمان حاکمیت ق.آ.د.ک (۱۳۷۸)، به جهت مغایرت ظاهری میان بند ۲ ماده ۹ این قانون و تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م (۱۳۷۹)، برخی بر این عقیده بودند که میان خسارت اقتصادی محض ناشی از اعمال عمدی و جرائم و غیر آن از حیث قابلیت جبران تمایز وجود دارد (زراعت و همکاران، ۱۳۸۹، ۶۸). به‌رغم تصویب ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، هنوز هم برخی قائل به این تفکیک می‌باشند و آن را دارای مبنایی منطقی و قابل قبول می‌دانند (بابایی، ۱۳۹۶، ۵۶). به نظر می‌رسد، تفکیک میان خسارات ناشی از اعمال عمدی و غیر عمدی در فقه نیز سابقه و مبنا دارد. زیرا از یک‌سو، در فقه در موارد اتلاف به مباشرت، علم و جهل فاعل را مؤثر در ایجاد مسئولیت نمی‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲، ۲۰۹؛ کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۱، ۶۸). ولی در موارد تسبیب، جهل یا حسن نیت مسبب، مانع تحقق مسئولیت وی می‌شود؛ زیرا جهل و عدم عمد چنین شخصی، مانع احراز رابطه سببیت و انتساب ضرر به او می‌گردد. از سوی دیگر، تحقق

خسارت اقتصادی محض معمولاً در مواردی متصور است که عین مالی مباشرتاً تلف نشده باشد؛ بلکه فعل یا ترک فعل شخصی سبب محرومیت زیان‌دیده از دست یافتن به نفع مورد انتظار وی گردد و از آنجاکه در تسبیب، علم و یا تقصیر مسبب در انتساب ضرر به وی، احراز رابطه سببیت و به‌طور کلی تحقق ارکان مسئولیت مدنی، مؤثر می‌باشد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که از نظر موازین فقهی نیز، شرط تحقق مسئولیت بابت خسارت اقتصادی محض، علم و عمد مسبب می‌باشد (دیلمی، ۱۳۸۸، ۲۰۸). مطابق تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری، منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. استدلال فقهای مخالف ضمان خسارت اقتصادی محض این است که قاعده تسبیب، قاعده‌ای اصطیادی است یعنی مضمون و مفاد ادله دیگری است و باید به قدر متیقن آن اکتفا کرد و آنجایی است که عین مال تلف شود و در نتیجه ممانعت از کسب سود، مشمول قاعده اتلاف و یا تسبیب نیز نیست. در نگاه نخست، تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری نیز که منافع ممکن‌الحصول را تنها در مواردی که صدق اتلاف نماید، قابل جبران دانسته، اشاره به همین برداشت فقهی از قلمرو قاعده اتلاف داشته است.

۵-۲. مصادیق خسارت اقتصادی محض در مسئولیت غیر قراردادی

در این قسمت به بررسی مصادیق خسارت اقتصادی محض در مسئولیت غیر قراردادی پرداخته می‌شود.

۵-۲-۱. خسارت اقتصادی محض ناشی از صدمات جسمانی

رویه قضایی که مخارج درمان یا خسارت بیکاری یا کاهش قوای کاری را قابل جبران نمی‌داند، مورد انتقاد و باعث تضییع حقوق مردم می‌باشد. بدیهی است تعیین دیه ثابت در جهت ساده نمودن قضاوت و حل و فصل اختلافات و متناسب با اقتضائات زندگی ساده‌تر گذشته بوده است؛ ولی در روزگار کنونی، درمان مستلزم مخارج قابل توجه بوده و به نظر می‌رسد در موارد سلب قدرت کار کردن شخص (مانند قطع نخاع که در یکی از پرونده‌های اصراری دیوان عالی کشور، تعیین خسارت زائد بر دیه در مورد آن منع شده بود)، در شرایط اقتصادی دشوار کنونی، باید حداقل امکانات ادامه زندگی و ارتزاق برای مجنی‌علیه فراهم گردد. تلاش مجلس شورای اسلامی در زمان تصویب ق.آ.د.ک (۱۳۹۲) برای پایان دادن به اختلاف رویه قضایی ناکام ماند و به نظر می‌رسد، با وجود ماده ۱۴ این قانون به صورتی که پس از ایراد شورای نگهبان تصویب شده، همچنان اختلاف رویه قضایی در این زمینه استمرار خواهد داشت و به نظر می‌رسد با قبول تفسیری که از قاعده اتلاف در فقه نیز زمینه دارد، می‌توان به استناد قاعده اتلاف و تسبیب چنین خساراتی را قابل جبران دانست.

۵-۲-۱-۲. در حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس، انواع خسارات ناشی از صدمات جسمی به دو نوع خسارات «عام» و «خاص» تقسیم می‌شود. اصل اولیه حقوق انگلیس در خصوص خسارات بدنی نیز به تبعیت از خسارات عام، «ترمیم» زیان مجنی‌علیه است و «خسارت تنبیهی» در این خصوص مورد حکم قرار نمی‌گیرد؛ هرچند صدمه بدنی یا قصور خوانده شدید باشد. باین حال هرگاه صدمه بدنی به واسطه عملی عمدی حاصل

ابتدا خسارت اقتصادی محض ناشی از صدمات جسمانی در حقوق ایران و در ادامه در حقوق انگلیس مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۲-۱-۱. در حقوق ایران

در جایی که بدن کسی به سبب رفتار دیگری آسیب می‌بیند گذشته از زیان معنوی که از موضوع این رساله بیرون می‌باشد، ممکن است از سه جهت دیگر زیان‌هایی به آسیب‌دیده برسد که دو مورد آن‌ها جنبه خسارت اقتصادی محض دارد. نخست مخارج درمان شامل دستمزد پزشک و خرج بیمارستان و خرید دارو می‌باشد که چون سبب از بین رفتن مال موجود شخص می‌گردد، در دائره شمول قاعده تسبیب قرار می‌گیرد. ولی نظر به مقررات فقهی «اتلاف نفس و اعضا و منافع» و پیش‌بینی «دیه» و «مقدّر و معین بودن دیه» در فقه اسلامی جبران آن در کنار «دیه» با اشکال روبه‌روست و بحث‌های بسیاری را در سال‌های پس از انقلاب برانگیخته است و آرای متفاوتی در این زمینه از دادگاه‌های دادگستری صادر شده است و آخرین بار در زمان تصویب لایحه آئین دادرسی کیفری این موضوع مطرح و در تبصره ۲ ماده ۱۴ مصوب اولیه مجلس، جبران مخارج متعارف درمان که مازاد بر دیه باشد، قابل مطالبه شناخته شده بود؛ ولی در اثر ایراد شورای نگهبان این تبصره از متن نهایی قانون حذف شد و در نتیجه زمینه اختلاف رویه در میان دادگاه‌ها همچنان فراهم می‌باشد. دوم اینکه آسیب‌دیدگی موجب بستری گردیدن شخص می‌گردد و این خود سبب محروم شدن او از درآمد روزهایی که در اثر ناخوشی نتوانسته کار کند می‌گردد.

مراقبت خصوصی هم می‌تواند جبران شود (استیل، ۵۴۵، ۲۰۱۴). وی حق دارد مراقبت پزشکی خصوصی را انتخاب نماید و مبلغی را برای این مراقبت از خواننده دریافت کند (استیل، ۲۰۱۴، ۴۶۶).

ب) خسارت اقتصادی محض ناشی از دست دادن درآمد

صدمات بدنی ممکن است موجب از کارافتادگی موقت یا دائم زیان دیده شود. بدین ترتیب صدمات بدنی ممکن است به محرومیت زیان دیده از درآمدی که می‌توانست به دست آورد بینجامد پرسشی که در این قسمت باید بدان پاسخ گفت این است که آیا باید عامل زیان را مکلف به جبران این گونه زیان دانست؟ در صورت مثبت بودن پاسخ پرسش پیشین ارزیابی آن به منظور تأمین اصل جبران کامل خسارت چگونه است؟

از دست دادن درآمد و از کارافتادگی از نظر ماهیت خسارت اقتصادی محض می‌باشد خسارت اقتصادی محض در نظام حقوقی انگلیس را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد (۱) خسارت اقتصادی محض ناشی از خسارت به اموال یا خسارت به شخص ضرر بدنی (۲) خسارت اقتصادی محض بی ارتباط به خسارت به اموال و ضرر بدنی که اصطلاحاً خسارت محض اقتصادی نامیده می‌شود. قسم اخیر را می‌توان خسارت اقتصادی محض به معنای خاص نامید در مسئولیت قهری دسته اول قابل جبران است و به گروه دوم به ندرت حکم داده می‌شود (صفایی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۶۲).

شود، ممکن است «خسارات مشدد» مورد حکم قرار گیرد که در مواقعی مورد حکم قرار می‌گیرد که دادگاه قصد داشته باشد عدم تأیید و نکوهش رفتار زیان زنده را که باعث بروز خسارتی شده است که بیشتر از آن چیزی است که در حالت عادی رخ می‌دهد، نشان دهد (الیوت، کوین، ۲۰۰۹، ۴۰۷).

الف) خسارت اقتصادی محض ناشی از هزینه درمان و مراقبت از زیان دیده

ایراد صدمات بدنی ممکن است باعث ایجاد هزینه‌هایی برای زیان دیده شود که از جمله می‌توان به هزینه‌های دارو و درمان زیان دیده مراقبت از وی هزینه رفت و آمد به مراکز درمانی و حتی نیاز به خرید تجهیزات خاص هم چون صندلی چرخدار تخت‌های مخصوص و غیره اشاره نمود. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا فاعل زیان باید مکلف به جبران این قسم خسارات نیز باشد؟ در حقوق انگلیس بیان شده که خواهان استحقاق جبران تمامی هزینه‌هایی را که به واقع و به طور معقول و متعارف در نتیجه حادثه تا تاریخ رسیدگی دادگاه ایجاد شده است خواهد داشت برای مثال می‌توان به خسارت‌های راجع به هزینه درمانی اشاره کرد (الیوت، کوین، ۲۰۱۷، ۳۸۸). هم‌چنین هر هزینه معقول و متعارفی که انجام شده از جمله هزینه‌های رفت و برگشت به بیمارستان و هم‌چنین هزینه‌های مراقبت از زیان دیده باید جبران پذیرد. در این زمینه یک اصل کلی وجود دارد و آن عبارت است از این که تنها هزینه‌های معقول و متعارف جبران پذیر هستند و خواهان باید زیان خود را به وسیله رفتاری معقول کاهش دهد. با وجود این خواهان مجبور نیست تا از از سرویس سلامت ملی استفاده نماید؛ بلکه هزینه

«رنج» وجود داشته باشد؛ ولی در عمل تفکیک این دو از یکدیگر بسیار دشوار است و علاوه بر این از نظر حقوقی فایده‌ای بر این تفکیک مترتب نیست؛ چراکه در مقام صدور حکم به جبران خسارت‌های درد و رنج دو ضمانت اجرای متفاوت بابت «خسارت‌های درد» و «خسارت‌های رنج» وجود ندارد و در همه جا این دو کلمه در کنار هم و در مفهومی واحد به کار برده شده است. به علاوه عرف نیز درک یکسانی از این دو مفهوم دارد.

یکی دیگر از خسارات عام قابل مطالبه ناشی از صدمات بدنی در حقوق انگلیس، خسارت ناشی از دست رفتن کیفیت زندگی است. تعریف خسارت ناشی از دست رفتن کیفیت زندگی، دشوارتر از تعریف درد و رنج است. لرد رید در دعوی اچ وست که در آن زیان دیده زن ۴۱ ساله‌ای بود که هشیاری خود را جزئاً از دست داده بود و قادر به صحبت کردن نبود و امید به ادامه زندگی او تنها ۵ سال بود و نهایتاً مجلس اعیان خسارتی به میزان ۱۷۵۰۰ پوند برای او به عنوان خسارت از دست رفتن کیفیت زندگی تعیین کرد (الیوت؛ کوین، ۲۰۰۹، ۴۰۲)، بیان داشته است که دو دیدگاه در خصوص مبنای این نوع خسارت وجود دارد. یک دیدگاه این است که شخص به عنوان مثال به دلیل از دست دادن پای خود یا اختلال در سیستم گوارش خود مستحق چنین خسارتی است. دیدگاه دیگر این است که خسارت واقعی، آسیب جسمی نیست؛ بلکه از دست دادن فرصت‌های زندگی عادی در نتیجه آسیب فیزیکی و محرومیت‌های متعدد است. مهم است که در هر مورد بررسی شود که دقیقاً چه خسارتی حاصل شده است. اوضاع و احوال شخصی زیان دیده باید مورد بررسی

این در حالی است که در خصوص امکان مطالبه خسارت اقتصادی محض در حقوق ایران (شکاری، ۱۳۸۲، ۱۰۱؛ شهیدی، ۱۳۸۶، ۲۵۶)؛ به طور کلی اختلاف نظر وجود دارد که البته در خصوص خسارت اقتصادی محض ناشی از زیان بدنی، با تصویب تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری جدید تصریح شده امکان مطالبه این نوع خسارت علاوه بر دیه پرداختی وجود ندارد (بابایی، ۱۳۹۷، ج ۱، ۱۲۳ - ۱۲۱). امروزه در حقوق ایران با پرداخت دیه زیان دیده دیگر مستحق دریافت مبلغی علاوه بر دیه به عنوان خسارت از کار افتادگی نخواهد بود. امری که به واقع بر خلاف اصل جبران کامل خسارت است؛ چراکه این نوع خسارت ارتباط نزدیکی با شرایط و موقعیت خاص زیان دیده دارد و نمی‌توان چنین ادعا نمود که در نهاد دیه که به صورت نوعی تعیین شده امکان پیش‌بینی این نوع خسارت نیز وجود داشته است. به نظر می‌رسد برای تأمین اصل جبران کامل لازم بود این گونه خسارت در صورت اثبات عدم کفایت دیه پرداختی برای جبران مجموع زیان وارده قابل مطالبه شناخته شود که چنین پرداختی علاوه بر دیه، مقرر با توجه به تبصره مذکور در شرایط فعلی نظام حقوقی ما غیر ممکن و فاقد محمل قانونی است.

ج) خسارت اقتصادی محض ناشی از درد و رنج و کاهش کیفیت زندگی

خسارات عام در خصوص صدمات بدنی در حقوق انگلستان می‌تواند شامل خسارت ناشی از درد و رنج و از بین رفتن کیفیت زندگی شود. دادگاه‌ها اصول تفکیک روشنی بین دو واژه درد و رنج قائل نشده‌اند. از لحاظ نظری ممکن است تفاوت‌هایی بین «درد» و

مبلغی که تحت این عنوان مورد حکم قرار می‌گیرد چندان زیاد نیست (ویلیم اچ، ۲۰۰۴، ۲۴-۱۷).

د) خسارت اقتصادی محض ناشی از کاهش امید به زندگی

موضوع دیگری که باید بدان پرداخته شود کاهش امید به زندگی سال‌های از دست رفته (عمر) است. در جایی که اثر فعل زیان‌بار کاهش امید به زندگی خواهان است مسائل دشواری پدید می‌آید. این امر ممکن است نتایج مالی و غیر مالی داشته باشد که در این قسمت جنبه مالی موضوع تأثیر بر از دست دادن درآمد آینده مورد نظر خواهد بود. در جایی که خواهان احتمالاً به دلیل صدمات وارد شده بر وی زودتر فوت می‌کند ضریب مرتبط با هزینه‌ها پایین‌تر خواهد بود؛ چراکه هزینه‌ها بعد از تاریخ مرگ وی دیگر اتفاق نخواهند افتاد. هم‌چنین ضریب از دست دادن درآمد نیز با کاهش مواجه است چنانچه در نتیجه فعل زیان‌بار انتظار فوت خواهان نسبت به زمانی که حادثه به وجود نیامده بود کمتر باشد چه باید کرد و آیا فرد زیان‌دیده مستحق دریافت درآمد از دست رفته خود در سال‌هایی که می‌توانست کسب درآمد کند؛ لیکن اکنون به دلیل حادثه زیان‌بار بعد از تاریخ انتظاری مرگ وی قرار دارد خواهد بود (استیل، ۲۰۱۴، ۴۵۷)؟

در گذشته قاعده کلی رویکردی بود که در پرونده‌ای در سال ۱۹۶۲ اعمال شده بود. در پرونده مذکور دادگاه تجدید نظر چنین حکم داد در پرونده‌هایی که امید به زندگی خواهان کاسته شده است، غرامتی بابت درآمد سال‌هایی که وی از دست داده است پرداخت نخواهد شد و او تنها قادر به دریافت غرامت

واقع شود که شامل مواردی چون سن زیان‌دیده، شیوه زندگی، امیدها و آرزوها و معلولیت‌های موجود پیش از حادثه می‌گردد. بنابراین شخص ورزشکار یا فعالی که در نتیجه حادثه قادر به فعالیت ورزشی یا انجام فعالیت‌های خارج از منزل نیست بیشتر از شخص هفتادساله‌ای که است که شیوه زندگی غیر متحرک دارد. در نتیجه اگر صدمه وارد به زیان‌دیده او را از ورزش کردن و سرگرمی‌های دیگر که قبل از صدمه دیدن آن‌ها را انجام می‌داده محروم کند، این زیان باید جبران گردد. خسارت‌های دیگری که تحت همین عنوان می‌توانند مورد مطالبه قرار گیرند عبارت‌اند از دست دادن یکی از حواس پنج‌گانه، از دست دادن یا اختلال در توان و لذت جنسی، از دست رفتن چشم‌انداز ازدواج و بسیاری از خسارات دیگر. تا چندی پیش در حقوق انگلیس مشخص نبود که این عنوان خسارت (از دست رفتن کیفیت زندگی) جدا از درد و رنج است یا صرفاً بخشی از آن است (مارکسینیس؛ هانس، ۲۰۰۵، ۴۷).

حقوق انگلیس هم‌چنین تحت عنوان جداگانه‌ای، این امر را مورد شناسایی قرار می‌دهد که شخص ممکن است در اثر صدمات وارده کاری را که به نظرش راضی‌کننده بوده از دست دهد. مبلغی جدای از خسارت درد و رنج و خسارت کاهش کیفیت زندگی ممکن است به این شخص پرداخت شود. برای این امر لزوماً نیازی به اینکه شغل زیان‌دیده شغلی خاص و فوق‌العاده بوده باشد وجود ندارد. برای مثال در سال ۲۰۰۱ شخصی به‌عنوان کیک بوکسر و مربی، تحت عنوان خسارت ناشی از دست دادن شغل مورد علاقه‌اش، مبلغ ۷۵۰۰ پوند دریافت کرد. در دعوی دیگری این مبلغ ۵۰۰۰ پوند بود؛ بنابراین اصولاً

در این قسمت به بررسی خسارت اقتصادی محض ناشی از بازداشت یا تعلیق یا اخراج غیر قانونی پرداخته می‌شود.

۵-۲-۲-۱. در حقوق ایران

در حال حاضر، ماده ۴۲ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۷ مهرماه ۱۳۹۰ که هم‌اکنون قانون حاکم و مجری می‌باشد، چنین می‌گوید: «قاضی تعلیق شده در ایام تعلیق از یک‌سوم تمام حقوق و مزایا برخوردار و در صورت براءت یا منع تعقیب، مستحق دریافت مابقی آن است».

درباره سایر کارمندان دولت نیز پرداخت حقوق انفصال یا تعلیق پیش‌بینی شده است. در مقررات کار نیز مقرراتی در این زمینه به نفع کارگران پیش‌بینی شده است. ماده ۱۷ قانون کار (۱۳۶۹) مقرر داشته است: «قرارداد کارگری که توقیف می‌گردد و توقیف وی منتهی به حکم محکومیت نمی‌شود در مدت توقیف به حال تعلیق درمی‌آید و کارگر پس از رفع توقیف به کار خود بازمی‌گردد». در ماده ۱۸ قانون مزبور، نیز کارگری را که به سبب شکایت کارفرما بازداشت می‌شود، در صورت تبرئه افزون‌بر جبران ضرر و زیان مطابق حکم دادگاه، مستحق مزد و مزایای خود نیز دانسته است.

ق.آ.د.ک (۱۳۹۲) تشکیلات و مقررات مخصوصی برای رسیدگی دعوی خسارت ناشی از بازداشت بالوجه پیش‌بینی شده است. ماده ۲۵۵ این قانون مقرر داشته است: «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم براءت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر می‌شود، می‌توانند با رعایت ماده

بابت سال‌های باقی‌مانده است (هارپوود، ۲۰۰۹، ۴۳۶-۴۳۵). قاعده مزبور عادلانه به نظر نمی‌رسید. در حقیقت در این قسم پرونده‌ها به وضوح ناعادلانه است که میزان غرامت پرداختی به دلیل اینکه درآمد برای زمان بیشتری مورد نیاز نخواهد بود کاهش یابد. به‌ویژه که چنین امری در نتیجه تقصیر خوانده اتفاق افتاده است و بنابراین وی نباید از چنین امری منتفع شود.

تصمیم برای محاسبه خسارت ناشی از درآمد از دست رفته باید از امید به زندگی خواهان در صورتی که حادثه اتفاق نیفتاده بود استفاده شود. البته لازم است مبالغی که شخص در طول زندگی خود مجبور به هزینه کردن آن‌ها بود از مبلغ قابل پرداخت کاسته شود. این بدین معناست که برای مثال چنانچه خواهان انتظار داشته طول عمر طبیعی داشته باشد و در سن ۶۵ سالگی بازنشسته شود؛ اما به دلیل حادثه احتمالاً تا ۳۰ سالگی زنده خواهد بود او می‌تواند بابت از دست دادن درآمد در بازه زمانی ۳۰ الی ۶۵ سالگی مطالبه خسارت نماید. البته با کسر مبلغی که بیانگر هزینه‌هایی است که وی در صورت زنده بودن و در طول حیات باید برای خود خرج می‌نمود (الیوت؛ کوین، ۲۰۰۹، ۳۹۱). به هر حال امروزه قاعده کلی این است که خواهان‌هایی که در زمان دادرسی در قید حیات هستند، می‌توانند بابت درآمدهای از دست رفته حتی برای سال‌هایی که دیگر فرصت زندگی نخواهند داشت غرامت دریافت کنند؛ اگرچه بابت هزینه‌های زندگی در آن بازه زمانی که دیگر اتفاق نخواهد افتاد مبلغی کسر خواهد شد.

۵-۲-۲. خسارت اقتصادی محض ناشی از بازداشت یا تعلیق یا اخراج غیر قانونی

ماهوی نیز وضع شده است که مواد راجع به خسارت قراردادی و خسارت تأخیر تأدیه در قوانین آئین دادرسی مدنی سابق و الحق و همچنین ماده ۹ اصلاحی ق.آ.د.ک (۱۳۳۵) نمونه‌ای از آن‌ها می‌باشد و به نظر می‌رسد، در قانون جدید آ.د.ک (۱۳۹۲) نیز به پیروی از همین سابق، ه چنین حکم ماهوی در متن قانون گنجانده شده است.

استدلال دیگر برای قابل جبران دانستن خسارت اقتصادی محض ناشی از بازداشت این است که از برخی عبارات مقررات مواد ق.آ.د.ک (۱۳۹۲) در این بخش، قابل مطالبه بودن این خسارات قابل استنباط می‌باشد. از جمله، قید مذکور در بند ت ماده ۲۵۶ این قانون، دلالت بر محدود نبودن میزان خسارت بازداشت به احکام اتلاف و تسبیب دارد. مطابق این ماده: «در موارد زیر شخص بازداشت‌شده مستحق جبران خسارت نیست: الف- بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خود باشد. ب- به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرارداده باشد. پ- به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد. ت- هم‌زمان به دلیل قانونی دیگر بازداشت باشد». اگر خسارت قابل تعیین بابت بازداشت شخص تنها محدود به احکام اتلاف و تسبیب بود، شاید قیود مذکور در بندهای الف، ب و پ قابل قبول و منطقی باشد؛ زیرا اگر شخص با خودداری از ارائه مدارک بی‌گناهی خود یا به منظور فراری دادن مرتکب جرم و یا به جهت دیگر موجبات بازداشت خود را فراهم نماید، می‌توان به استناد قاعده حقوقی مذکور در ماده ۳۳۲ قانون مدنی، به جهت اقوی بودن سبب از مباشر، خسارت مالی وارد به شخص را مستند به

۱۴ نیز شخص بازداشت این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند». حسب ماده ۲۵۷ شده باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی بی‌گناهی خود، درخواست غرامت را به کمیسیون استانی متشکل از سه نفر از قضات دادگاه تجدید نظر استان به انتخاب رئیس قوه قضائیه تقدیم کند. در صورت رد درخواست، ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ به این شخص حق اعتراض داده شده تا اعتراض وی حسب ماده ۲۵۸ در کمیسیون ملی جبران خسارت متشکل از رئیس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب رئیس قوه قضائیه رسیدگی شود. آن چنانکه از ماده ۲۵۷ بر می‌آید، مدعی غرامت تنها در صورت رد درخواست خود حق اعتراض دارد و در صورتی که به مبلغ غرامت تعیین شده از حیث قلت اعتراض داشته باشد قابل رسیدگی نیست (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳، ۹۶).

علی‌القاعده کمیسیون‌های استانی و ملی مقرر در مواد ۲۵۷ و ۲۵۸ قانون یادشده، در فرض احراز حقانیت متقاضی خسارت، می‌بایست به میزان آن نیز رسیدگی نموده و در رأی خود میزان غرامت را تعیین نمایند.

ماده ۱۷ آئین‌نامه موضوع ماده ۲۶۱ قانون نیز در این خصوص مقرر داشته: «رأی کمیسیون استانی و ملی باید مستند و مستدل بوده و حسب مورد مشتمل بر میزان خسارت باشد».

در مقام دفاع از امکان جبران کلیه خسارات ناشی از بازداشت از ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک (۱۳۹۲) می‌توان دلایلی آورد. نخست اینکه، سوابق قانون‌گذاری نشان می‌دهد که گاهی در قوانین شکلی برخی قواعد

حتی متوقف ساختن شخص در خیابان و تفتیش او اگر وی با دیوار محصور شده باشد، ممکن است بازداشت نادرست شمرده شود. حتی نشستن شخص میان دو مأمور پلیس در صندلی عقب خودروی پلیس، چنانچه برخلاف رضایت آن شخص باشد و جزوی از یک اجرای یک دستور دستگیری قانونی نباشد، می‌تواند موجب تحقق این دعوی گردد. (گاسول علیه کمر آو پلیس فور د متروپلیس (۱۹۹۸)). البته محدودیت حرکتی تحمیل شده بر مدعی باید کامل باشد تا موجب تحقق این دعوی شود. بدین معنی که اگر راه فرار معقولی برای شخص وجود داشته باشد، بازداشت نادرست محقق نمی‌شود (برد علیه جونز (۱۸۴۸)) (هارپوود، ۲۰۰۰، ۳۰۸ - ۲۹۷). در حقوق انگلیس برای پیروزی در این دعوی خسارت ناشی از بازداشت نادرست نیازی به علم و آگاهی شخص از بازداشت غیر قانونی خود نیست. در دعوی میرینگ علیه گراهام وایت اویشن کمپانی آل تی دی (۱۹۲۰) اعلام شد که یک شخص ممکن است بازداشت غیر قانونی شده باشد؛ در حالی که خودش آگاه نیست و این تصمیم در دعوی مورای علیه وزیر دفاع (۱۹۸۸) نیز تأیید گردید (بوسانی؛ پالمر، ورنون، ۲۰۰۳، ۱۸۱). بنابراین چنین عنوان دعوی خسارتی در حقوق انگلیس با اوصاف یاد شده وجود دارد و حق بازداشت شده برای مطالبه غرامت نیز به رسمیت شناخته شده است و در برخی موارد مقتضی، حکم به غرامت مشدد یا تنبیهی نیز داده می‌شود.

۵-۲-۳. خسارت اقتصادی محض ناشی از عیب

تولید

خودش به‌عنوان مسبب دانست نه دولت به‌عنوان مباشر. ولی بند ت ماده مزبور که بازداشت بودن هم‌زمان به دلیل دیگری را موجب عدم استحقاق شخص برای جبران خسارت دانسته، هرگز با احکام اتلاف و تسبیب تناسبی نداشته و قابل توجیه نیست؛ زیرا اتلاف اموال بازداشتی در هر صورت موجب ضمان است و بازداشت هم‌زمان وی به علت دیگری، موجب عدم شمول احکام اتلاف نخواهد بود.

۵-۲-۲-۲. در حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس، «بازداشت نادرست» یکی از عناوین دعوی خسارت شمرده می‌شود. این عنوان به معنی محروم ساختن خواهان از آزادی حرکت بدون توجیه قانونی می‌باشد. در این دعوی نیازی به اثبات عنصر «تقصیر»، وجود ندارد. در رأی راجع به دعوی کالینز علیه ویلاک (۱۹۸۴)، «بازداشت نادرست» چنین تعریف شد: «تحمیل غیر قانونی محدودیت بر آزادی حرکت دیگری». چنانچه هر گونه عملی انجام شد که از آزادی حرکت جلوگیری کند، عمل بازداشت نادرست ارتکاب یافته است. البته این بدین معنی نیست که خواهان لزوماً می‌بایست زندانی شده باشد؛ بلکه برخی از نمونه‌های آن در سال‌های اخیر، در ارتباط با توقیف شخص برای بازجویی در رابطه با جرمی بوده که آن شخص مرتکب نشده بوده و دلائل متعارفی مبنی بر ظن ارتکاب توسط آن شخص نیز وجود نداشته است (مانند دعوی وایت علیه دبلیو پی براون (۱۹۸۳)). هرگونه ایجاد محدودیت برای اشخاص که از ترک محل از سوی شخص جلوگیری نماید، به تحقق این دعوی می‌انجامد. بدین معنی، قفل کردن در نیز بازداشت نادرست شمرده می‌شود.

تثاثری به دلیل نقص در تولید آن آتش بگیرد بدون اینکه هیچ ضرر جانی یا مالی دیگری وارد کند و تا زمان جایگزین کردن آن با دستگاه دیگری چند روز تئاتر تعطیل گردد، آیا صاحب تماشاخانه می‌تواند از تولیدکننده دستگاه، خسارت ناشی از دست دادن مشتری و سود مدت تعطیلی را مطالبه نماید؟ در حقوق انگلیس پاسخ منفی است؛ زیرا در حقوق این کشور در حال حاضر این یک قاعده جافتاده است که در مواردی که به مصرف‌کننده غیر مستقیم (دور) تنها ضرر اقتصادی وارد شده است. برای تولیدکننده کالای معیوب هیچ وظیفه احتیاطی شناخته در قبال مصرف نمی‌شود و لذا تولیدکننده مسئولیتی از باب دعوی بی‌احتیاطی کننده ندارد. حتی اگر اثبات شود که عیب کالا ناشی از تقصیر تولیدکننده بوده است. رأی دعوی مورهد علیه اینداستریال تانک اسپیشیالیتیز در این زمینه قابل استناد است. مسئولیت محض تولیدکننده طبق قانون حمایت از مصرف‌کننده مصوب ۱۹۷۸ نیز به تصریح خود قانون، موارد ضرر اقتصادی محض را شامل نمی‌شود. سیاست واضح حقوق انگلیس در موارد خسارات اقتصادی وارده به مصرف‌کننده ناشی از کالای معیوب، عدم قابلیت جبران چنین خساراتی است (استیل، ۲۰۱۴، ۴۶۲)؛ زیرا تحمیل چنین مسئولیتی بر تولیدکنندگان را غیر واقعی و مضر برای کارکرد بازار می‌دانند. ولی یک استثنا وجود دارد و آن‌هم در مواردی است که کالای معیوب مصرف‌کننده را در معرض مسئولیت قانونی در قبال اشخاص ثالث قرار دهد. دعاوی دگری استوک کاستل و المبرت علیه لويس، د اسو برنيسيا در این زمینه قابل استناد است.

در این قسمت به بررسی خسارت اقتصادی محض ناشی از عیب تولید در حقوق ایران و انگلیس پرداخته می‌شود.

۵-۲-۳-۱. در حقوق ایران

در حقوق ایران از برخی مقررات خاص مانند ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو، امکان جبران چنین خسارتی در دوره ضمانت خودرو قابل استنباط می‌باشد (بادینی، ۱۳۹۰، ۷۵): «عرضه‌کننده در طول مدت ضمانت مکلف به رفع هر نوع نقص یا عیب (ناشی از طراحی، مونتاژ، تولید یا حمل) است که در خودرو وجود داشته یا در نتیجه استفاده معمول از خودرو، روز نموده و با مفاد ضمانت‌نامه و مشخصات اعلامی به مصرف‌کننده مغایر بوده یا مانع استفاده مطلوب از خودرو یا نافی ایمنی آن باشد یا موجب کاهش ارزش معاملاتی خودرو شود. هزینه رفع نقص یا عیب خودرو در طول مدت ضمانت و جبران کلیه خسارات وارده به مصرف‌کننده و اشخاص ثالث، اعم از خسارات مالی و جانی و هزینه‌های درمان ناشی از نقص یا عیب که خارج از تعهدات بیمه شخص ثالث باشد (هزینه‌های حمل خودرو به تعمیرگاه، تأمین خودروی جایگزین مشابه در طول مدت تعمیرات؛ چنانچه مدت توقف خودرو بیش از چهل و هشت ساعت باشد) بر عهده عرضه‌کننده می‌باشد...».

۵-۲-۳-۲. در حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس اقامه دعوی خسارت توسط مصرف‌کننده بابت خسارت اقتصادی محض (به معنی توأم نبودن با خسارت جانی یا مالی به شخص خواهان) مردود است. مثلاً اگر یک نورافکنی در

۵-۳. شرایط جبران خسارت اقتصادی محض در مسئولیت غیر قراردادی در حقوق ایران و انگلیس

در این قسمت به بررسی شرایط جبران خسارت اقتصادی محض در مسئولیت غیر قراردادی در حقوق ایران و انگلیس پرداخته می‌شود.

۵-۳-۱. رابطه سببیت

رابطه سببیت، قابلیت پیش‌بینی خسارت، تقصیر زیان‌دیده و کاهش خسارت از جمله شرایط مشترک جبران خسارت اقتصادی محض در دعاوی مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی هستند؛ ولی پایگاه مادی خسارت خسارت اقتصادی محض شرطی است که اختصاص به دعاوی مسئولیت غیر قراردادی دارد. رابطه «سببیت» یکی از ارکان مسئولیت جزایی، مدنی و قراردادی می‌باشد. در ماده ۴۹۲ ق.م.ا. (۱۳۹۲) نیز چنین آمده است: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد؛ اعم از آنکه به‌نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود». ماده ۴۹۳ همان قانون می‌گوید: «وجود فاصله زمانی، میان رفتار مرتکب و نتیجت ناشی از آن، مانع از تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری‌کشنده که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است. حکم این ماده و ماده ۴۹۲ این قانون در مورد کلیه جرائم جاری است»؛ و بالاخره ماده ۵۲۹ این قانون نیز چنین می‌گوید: «در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید» (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۵، ۲۴۵).

در حقوق انگلیس در دعاوی مسئولیت غیر قراردادی بین اعمال عمدی و غیر عمدی تمیز قائل شده‌اند. اضرار عمدی به غیر چنانچه منجر به خسارت اقتصادی محض گردد قابل جبران است؛ ولی در موارد غیر عمدی که در قالب دعوی «بی‌احتیاطی» مطرح می‌شود، جبران خسارت اقتصادی محض منوط به این است که خسارت دارای پایگاه عینی باشد. تفکیک بین اعمال عمدی و غیر عمدی دارای مبنای منطقی موجه می‌باشد و در حقوق ایران نیز به نحوی قابل پذیرش می‌باشد. تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک (۱۳۹۲) که منافع ممکن‌الحصول را مختص به مواردی دانسته که صدق اتلاف نماید با تفسیری که از این ماده و قاعده اتلاف ارائه شد، با چنین تفکیکی سازگاری دارد؛ زیرا محل وضع این ماده که در آئین دادرسی کیفری و در رابطه با دعاوی ضرر و زیان ناشی از جرم قرار گرفته مؤید چنین برداشتی است و از این گذشته، خسارت اقتصادی معمولاً به‌صورت اتلاف به تسبیب تحقق می‌یابد و از نظر مبانی فقهی نیز برای تحقق مسئولیت از باب تسبیب و احراز انتساب عرفی خسارت به مسبب، حداقل وجود تقصیر مسبب ضرورت دارد.

۵-۳-۲. قابلیت پیش‌بینی زیان

یکی دیگر از شرایط مشترک مسئولیت به جبران خسارت خسارت اقتصادی محض، قابلیت پیش‌بینی آن می‌باشد. در حقوق فرانسه مجرای قاعده پیش‌بینی پذیری را مسئولیت قراردادی می‌دانند؛ ولی در حقوق ایران یک نظر این است که این تفاوت مبنای قانونی ندارد و قابلیت پیش‌بینی در مسئولیت غیر قراردادی نیز شرطی ضروری است؛ زیرا قابلیت پیش‌بینی در احراز رابطه سببیت و انتساب عرفی

۵-۳-۳. تقصیر زیان‌دیده

در برخی مقررات قوانین ایران، تقصیر زیان‌دیده از موجبات تقسیم مسئولیت و کاهش مبلغ خسارت شناخته شده است. ماده ۱۶۵ قانون دریایی ایران (۱۳۴۳) در این زمینه در تصادم دو کشتی که هر دو خطا کار باشند، تقسیم مسئولیت به تناسب اهمیت تقصیر را به‌عنوان اصل پذیرفته و در مواردی که تشخیص اهمیت تقصیر ممکن نباشد یا تقصیر طرفین به نظر یکسان برسد، مسئولیت متساوی را مقرر داشته است.

در حقوق انگلیس، تقصیر زیان‌دیده در مسئولیت عامل زیان تأثیر دارد. در سال ۱۹۴۵ «قانون اصلاحی تقصیر مشترک» تصویب شد که بر اساس آن میزان خسارت بر پایه میزان تقصیر هر یک از عاملان آن قابل تقسیم می‌باشد. این قانون پس از جنگ جهانی دوم که دولت حزب کارگر در انگلیس بر سر کار آمد، در پارلمان تصویب شد (شوفیلد، ۱۹۸۰، ۲۶۳). این قانون از زمره سایر قوانین مرتبط با ایمنی محله‌ای کار و اصلاحات کامنال بود که دولت حزب کارگر به تصویب رساند (مانند قانون اصلاح صدمات جسمانی ۱۹۴۸). بر طبق بند اول ماده ۱ این قانون: «در موردی که شخص در اثر تقصیر خود و دیگری متحمل زبانی شود، دعوی ضرر و زیان فرد مزبور به دلیل تقصیر زیان‌دیده منتفی و ملغی نمی‌گردد؛ بلکه زیان‌های قابل وصول در حدی که دادگاه با توجه به سهم مدعی از مسئولیت (میزان مداخله و تأثیر مدعی در ورود زیان عادلانه و منصفانه بداند کاسته خواهد شد» (پوراسماعیلی، ۱۳۹۲، ۵). برای نمونه، در دعوی فروم و دیگران علیه باچر، خواهان کمر بند ایمنی خود را نبسته بود و در اثر تصادف با خوانده بر روی شیشه

مؤثر می‌باشد و عرف به دشواری رابطه سببیت میان فعل زیان‌آور و خسارات پیش‌بینی‌ناپذیر برقرار می‌نماید (صفایی و همکاران، ۱۳۹۱، ۹۲؛ یزدانیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ۲۷۹؛ شعاریان و همکاران، ۱۳۸۹، ۳۴۶). به عقیده یکی از حقوق‌دانان (شعاریان و همکاران، ۱۳۹۴، ۸۸۵)، در مواد ۵۲۱ و ۵۲۲ ق.م.ا (۱۳۹۲) نظریه پیش‌بینی‌پذیری زیان به‌نحو بارزی بیان شده است. ماده ۵۲۱ این قانون می‌گوید: «هرگاه شخصی در ملک خود یا مکان مجاز دیگری، آتشی روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی‌کند و غالباً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جایی دیگر سرایت نماید و موجب خسارت و صدمه گردد ضمان ثابت نیست و در غیر این صورت ضامن است». در ماده ۵۲۲ این قانون نیز آمده است: «متصرف هر حیوانی که از احتمال حمله آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر تقصیر او، حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن است. ولی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد، ضامن نیست». در حقوق انگلیس در این زمینه احکام صادره در دعوی «ری پولمیس» قابل توجه می‌باشد. در حقوق این کشور، در پرونده نخست پیش‌بینی‌پذیر نبودن بروز حادثه، موجب معافیت از مسئولیت شناخته نشد. در این پرونده عده‌ای کارگر که مستخدم اجاره‌کنندگان یک کشتی بودند، در هنگام تخلیه کالا از کشتی سبب شدند که تخت‌های به درون انبار کشتی فرو افتد. بخشی از بار کشتی بنزین بود که در قوطی‌هایی حمل می‌شد که یکی از آن‌ها سوراخ شده و مقداری بنزین به داخل انبار ریخته شده بود. بر اثر سقوط تخته جرقه‌ای پدید آمد و شعله‌ای برافروخته شد که به آتش گرفتن کشتی انجامید. دادگاه خواندگان را مسئول شناخت.

عدول نموده و جبران چنین خساراتی را به طور کلی منوط به قابل استناد بودن قاعده اتلاف در هر مورد دانسته است. در حقوق انگلیس در دعاوی مسئولیت غیر قراردادی، ضمن تفکیک خسارات اقتصادی ناشی از اعمال عمدی و بی احتیاطی، اصل بر عدم قابلیت جبران خسارات اقتصادی محض ناشی از بی احتیاطی می باشد؛ مگر اینکه خسارت اقتصادی به تبع ایراد صدمه فیزیکی به جسم یا اموال مادی مدعی به وجود آمده باشد. در فقه و حقوق و رویه قضایی ایران نیز، با توجه به احکام «اتلاف» و «تسبیب»، تفکیک میان خسارت اقتصادی محض ناشی از اضرار عمدی و بی احتیاطی دارای مبنا و سابقه می باشد (تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.دک ۱۳۹۲)، جبران منافع ممکن-الحصول را مختص مواردی دانسته که صدق اتلاف نماید. رویکرد مورد اشاره در حقوق انگلیس در خصوص تفکیک خسارات اقتصادی ناشی از اعمال عمدی و بی احتیاطی به این دلیل است که تجویز مطالبه خسارت اقتصادی محض در موارد بی احتیاطی باعث افزایش حجم دعاوی می شود. در حالی که در حقوق قراردادها به جهت دکترین نسبی بودن قرارداد چنین بیمی وجود ندارد؛ زیرا با وجود این دکترین، طرح دعوی تنها محدود به طرفین قرارداد می باشد.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان در پژوهش حاضر به صورت برابر مشارکت داشته اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

جلو اتومبیل پرت شد و از سر و سینه آسیب دید. دادگاه بدوی به تقصیر زیان دیده در نبستن کمربند ایمنی توجه نکرد؛ ولی دادگاه استیناف، به همین جهت خسارت قابل پرداخت به خواهان را تا ۲۵ درصد کاهش داد.

۶. نتیجه

در حقوق مدنی ایران، در تعیین خسارت قراردادی، بر مبنای ضابطه «خسارت اقتصادی محض» تردید وجود دارد. در حقوق ایران، تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.دک (۱۳۹۲)، علی الظاهر میان حکم خسارن اقتصادی محض از حیث قابلیت جبران در دو حوزه قراردادها و مسئولیت غیر قراردادی تفکیکی ننموده بود. این رویکرد که ناشی از برداشتی محدود از تعریف مال و موجبات ضمان قهری و دایره شمول قاعده اتلاف در فقه می باشد، قابل انتقاد به نظر می رسد. کما اینکه برخی فقها نیز بر لزوم جبران خسارت اقتصادی محض ناشی از تخلف از عمل موضوع عقد در مورد عقد مزارعه تصریح نموده اند. از این گذشته، ماده ۲۲۱ ق.م دلالیت بر پذیرش مشروط جبران خسارت اقتصادی محض ناشی از نقض قرارداد دارد و اینکه در ماده مزبور وجود عرفی که دلالیت بر تعهد به جبران خسارت داشته باشد، مجوز جبران این نوع از خسارات دانسته شده، راه را برای پذیرش این تفکیک در حقوق ایران و قابل جبران دانستن خسارت اقتصادی محض ناشی از نقض قرارداد هموار می سازد. به علاوه، به نظر می رسد قانون گذار با تصویب تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.دک (۱۳۹۲) که مبین آخرین دیدگاه وی پیرامون حکم خسارت اقتصادی محض می باشد، از اتخاذ موضعی صریح مبنی بر غیر قابل مطالبه بودن خسارت خسارت اقتصادی محض

منابع

فارسی

- زراعت، عباس؛ حاجی‌زاده، حمیدرضا؛ متولی جعفرآبادی، یاسر، قانون آئین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات خط سوم، ۱۳۸۹.

- شعاریان، ابراهیم؛ ترابی، ابراهیم، اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی)، چاپ اول، تبریز، انتشارات فروزش، ۱۳۸۹.

- شعاریان، ابراهیم؛ رحیمی، فرشاد، حقوق بیع بین‌المللی - شرح کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در پرتو دکترین و رویه قضایی - مطالعه تطبیقی با اسناد بین‌المللی و حقوق ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۹۴.

- شکاری، روشنعلی، «نقد و بررسی تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی (عدم‌النفع)»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۲، ۱۳۸۲.

- شهیدی، مهدی، آثار قراردادهای و تعهدات، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۶.

- صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌الله، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱.

- صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌الله، مسئولیت مدنی تطبیقی، چاپ اول، تهران، شهردانش، ۱۳۹۷.

- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری - مسئولیت مدنی)، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

- بابایی، ایرج، حقوق مسئولیت مدنی مبتنی بر نقد و بررسی آرا و رویه قضایی، جلد اول، چاپ اول، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۶.

- بابایی، ایرج، مسئولیت مدنی مبتنی بر نقد و بررسی آرا و رویه قضایی، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۷.

- بادینی، حسن، «بررسی تطبیقی قابلیت جبران ضرر اقتصادی در مسئولیت مدنی»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره اول، ۱۳۹۰.

- پژوهشکده شورای نگهبان، قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در پرتو نظرات شورای نگهبان، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳.

- پژوهشگاه قوه قضائیه، مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۵.

- پوراسماعیلی، علیرضا، «مطالعه تطبیقی تأثیر تقصیر زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی در حقوق اسلامی و کامن‌لا»، نشریه فقه و حقوق اسلامی، شماره هفتم، ۱۳۹۲.

- دیلمی، احمد، حسن نیت در مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۸.

- Koziol, Helmut, Basic Questions of Tort Law from a Comparative Perspective, 1th ed, UK, Publishing Jan Sramek Verley, 2015.

- Markesinis, Basil S and Hannes Unberath, The German Law of Torts A Comparative Treatise,, 3th edition, Oxford, Publishing, Oxford and Portland, 2005.

- Schofield, William, «Davies v. Mann(Theory of Contributory Negligence)», Journal of Harvard Law Review, No. 6, 1980.

- Steele, Jenny, Tort Law- Text- Cases and Materials, 3th ed, Oxford, Oxford university press, 2014.

- Willem H, Van Boom, «Pure Economic Loss- A Comparative Perspective», obtained from: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=555809, 2004.

- یزدانیان، علیرضا، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۶.

عربی

- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقہیة، جلد دوم، چاپ سوم، قم، انتشارات مدرسه امام امیرالمؤمنین، ۱۴۱۱.

لاتین

- Bussani, Mauro and Palmer, Vernon Valentine, Pure Economic Loss in Europe, First edition, Cambridge, Cambridge University Press, 2003.

- Elliot, Cathrine and Quinn, Frances, Contract law, 7th edition, Great Britain, Published by Pearson Education Limited, 2009.

- Elliot, Cathrine and Quinn, Frances, Tort Law, 4th edition, UK, Publisher Longman Pub Group, 2009.

- Elliott, Catherine and Quinn, Frances, Tort Law, 11th ed, UK, Published by Pearson Education limited, 2017.

- Harpwood, Vivienne, Modern Tort Law, 7th ed, London, Publishing Routledge, 2009.

- Harpwood, Vivienne, Modern Tort Law, 6th edition, London, Cavendish Publishing Limited, 2009.

- Harpwood, Vivienne, Principles of Tort Law, Fourth Edition, London, Cavendish Publishing, 2000.